

دریس اپیش دانشگاه

حروف ربط زمان، علت و شرط

حروف ربط کلماتی هستند که دو جمله‌ی کامل را به هم وصل می‌کنند. در واقع بین این دو جمله نوعی ارتباط معنایی وجود دارد که حروف ربط با آشکار کردن این ارتباط معنایی، دو جمله را به هم مرتبط می‌سازند.

اگر به تعریف بالا دقت کنیم می‌بینیم که در این میدث، موم ترین پیزی که باید به آن توجه داشته باشیم «ارتباط معنایی» بین دو جمله است. پس برای این که بتوانیم به سوالات این میدث پوچ بدهیم باید به معنی جمله‌ها دقت کنیم. در این صورت به راحتی می‌توانیم تشخیص بدھیم که بین جمله‌ها په نوع ارتباط معنایی وجود دارد و باید از په حرف ربطی استفاده کنیم.

تا به حال در ۶۴٪ از کنکورهای سراسری و ۵۳٪ از کنکورهای آزادی که از کتاب درسی فعلی پرگزار شده (یعنی از سال ۸۴ به بعد)، از مباحث این درس سوال آمده و هنی در بعضی کنکورها بیشتر از یک بار از این درس سوال طرح شده است.

1. I saw Ali **when** I was going to school.

2. **When** I was taking a bath, the phone rang.

۲ کاربرد دوم when وقتی است که می‌خواهیم درباره‌ی دو عمل که بهطور متواتی انجام شده‌اند صحبت کنیم؛ یعنی وقتی که عملی انجام شده و بعد از آن، با فاصله‌ی زمانی کمی عمل دیگری انجام شده است. مثلاً:

۱- وقتی برسم خانه به شما زنگ می‌زنم.
۲- وقتی آن خبر را به او گفتم تعجب کرد.

در مثال اول عمل رسیدن و زنگ زدن، و در مثال دوم عمل گفتن و تعجب کردن پشت سر هم انجام شده‌اند. اگر بخواهیم این دو مثال را به انگلیسی برگردانیم، باید از حرف ربط when استفاده کنیم:

1. I will phone you **when** I get home.

2. **When** I told him the news, he was surprised.

۳ کاربرد سوم when وقتی است که می‌خواهیم به زمان خاصی در گذشته اشاره کنیم. این کاربرد when غالباً برای اشاره به سن و سال در گذشته استفاده می‌شود، مثلاً «وقتی بچه بودم ...» یا «وقتی پانزده ساله بودم ...».

این دو جمله را در نظر بگیرید:

۱- وقتی بچه بودم عاشق کارتون نگاه کردن بودم.
۲- وقتی به پاریس رفم، برج ایفل را دیدم.

در مثال اول در مورد سن و سال در گذشته صحبت شده و در مثال دوم هم زمان خاصی در گذشته مد نظر است. معادل انگلیسی دو مثال بالا به این صورت نوشته می‌شود:

1. I loved watching cartoons **when** I was a child.

2. **When** I went to Paris, I saw the Eiffel Tower.

۴ کاربرد چهارم when وقتی است که می‌خواهیم به دو عمل اشاره کنیم که مرتب‌آزمایشی با هم تکرار می‌شوند. برای این که بهتر بتوانید این کاربرد

حروف ربط زمان

دو جمله‌ی زیر را در نظر بگیرید:

۱- داشتم درس می‌خواندم. ۲- مادرم مرا صدا زد.
اگر بخواهیم این دو جمله را به هم وصل کنیم، باید از یک حرف ربط استفاده کنیم، مثلاً «وقتی»:

«وقتی» یک حرف ربط است که بین دو جمله‌ی بالا یک رابطه‌ی زمانی برقرار کرده و به این ترتیب آن‌ها را به هم مرتبط کرده است.
در زبان انگلیسی برای نشان دادن رابطه‌ی زمانی بین دو جمله، از حروف ربط مختلفی استفاده می‌شود که چهار تا از آن‌ها را در این درس می‌خوانیم. این چهار حرف ربط زمان، as، when، since و while است. هر یک از این حروف ربط کاربردهای خاص خودشان را دارند که در ادامه آن‌ها را یک به یک با هم بررسی می‌کنیم.

when

این حرف ربط به معنی «زمانی که، هنگامی که، وقتی» است و چهار کاربرد مختلف دارد:

۱ کاربرد اول when وقتی است که می‌خواهیم درباره‌ی دو عمل که بهطور همزمان انجام شده‌اند صحبت کنیم. مثلاً دو جمله‌ی زیر را در نظر بگیرید:

۱- وقتی داشتم به مدرسه می‌رفم علی را دیدم.
۲- وقتی داشتم دوش می‌گرفتم تلفن زنگ زد.

در مثال اول عمل رفتن به مدرسه و دیدن، و در مثال دوم عمل دوش گرفتن و زنگ زدن بهطور همزمان انجام شده‌اند. حالا باید این دو مثال را با استفاده از when به انگلیسی برگردانیم:

همزمان به کار می‌رود. پس می‌توانیم مثال‌هایی را که برای کاربردهای اول when و as آورده‌یم با هم بنویسیم:

1. I saw Ali **while** I was going to school.

2. **While** I was taking a bath, the phone rang.

در توضیحاتی که تا اینجا خواندیم، کاربرد اول when، کاربرد اول as و کاربرد while معادل هم در نظر گرفته شده‌اند. البته این سه حرف ربط در همین کاربرد مشترکشان هم تفاوت‌هایی با هم دارند، ولی شما در کنکور نیازی به دانستن آن‌ها ندارید. اگر بخواهیم وارد بحث تفاوت‌های این سه حرف ربط بشویم، یا باید نکات ریز و جزئیاتی را بگوییم که جز سردرگمی نتیجه‌ی دیگری برایتان ندارد، و یا باید نیمه‌کاره بحث را رها کنیم که این هم درست نیست. پس بهتر است فعلًاً با این موضوع کاری نداشته باشیم. چون بیشتر از چیزهایی که در این جا گفته‌یم در کنکور به دردان نمی‌خورد و اصلاً ممکن است همین نکته‌ها را هم قاطی کنید.

since

در سال‌های قبل نکاتی را در مورد این حرف ربط خوانده‌اید و با کاربرد آن تا حدی آشنایی دارید، ولی چیزی که در تست‌های این مبحث به دردان می‌خورد این است که بدانید این حرف ربط به معنی «از زمانی که، از وقتی که» است و هنگامی به کار می‌رود که جمله‌ای که حرف ربط بر سر آن نیامده در زمان حال کامل (ماضی نقلی) یا گذشته‌ی کامل (ماضی عیید) باشد. در در مثالی که در ادامه می‌خوانید، زیر جمله‌ی بدون حرف ربط خط کشیده شده است. همان‌طور که می‌بینید، در مثال ۱ جمله‌ی بدون حرف ربط در زمان حال کامل (have + p.p.)، و در مثال ۲ در زمان گذشته‌ی کامل (had + p.p.) است:

1. **Since** she started studying English, she has made a lot of progress.

2. **Sara and Mina had not seen** each other **since** they went to university.

۱- او از وقتی که شروع به خواندن زبان انگلیسی کرد، پیشرفت زیادی کرده است.

۲- سارا و مینا از وقتی که وارد دانشگاه شدند همیگر را ندیده بودند.

حروف ربط علت

تشخیص جملاتی که به حروف ربط علت نیاز دارند خیلی ساده است. همان‌طور که از اسم حروف ربط این دسته مشخص است، زمانی به کار می‌رond که بین دو جمله رابطه‌ی علت و معلولی برقرار باشد، یعنی یکی از این دو جمله، بیان‌کننده‌ی علت جمله‌ی دیگر باشد. به عنوان مثال دو جمله‌ی زیر را در نظر بگیرید:

۱- می‌خواهم انگلیسی‌ام را تقویت کنم.

۲- انگلیسی در دانشگاه خیلی به دردم می‌خورد.

when را درک کنید، دو مثال زیر را بخوانید:

۱- وقتی (هر وقت که) موسیقی گوش می‌کنم، خوابم می‌برد.

۲- وقتی (هر وقت که) به من دروغ می‌گوید، گوش‌هایش قرمز می‌شود!

در مثال اول، گوش دادن موسیقی و خوابیدن همیشه تکرار می‌شود و در مثال دوم، دروغ گفتن و قرمز شدن گوش همین وضع را دارد. اگر بخواهیم دو مثال بالا را به انگلیسی بنویسیم باید از when یا whenever استفاده کنیم، یعنی می‌توانیم کاربرد چهارم when را متراffد whenever به معنی «هر وقت، هر وقت که» در نظر بگیریم:

1. I fall asleep **when/whenever** I listen to music.

2. **When/Whenever** he lies to me, his ears go red!

as

این حرف ربط دو کاربرد مختلف دارد:

۱ کاربرد اول as مثل کاربرد اول when است، یعنی می‌توانیم از آن برای صحبت کردن درباره‌ی دو عمل همزمان استفاده کنیم. در این صورت as را «زمانی که، هنگامی که، وقتی» ترجمه می‌کنیم. بنابراین می‌توانیم مثال‌هایی را که برای کاربرد اول when آورده‌یم با as هم بنویسیم:

1. I saw Ali **as** I was going to school.

2. **As** I was taking a bath, the phone rang.

۲ کاربرد دوم as وقتی است که می‌خواهیم به دو عمل که به نسبت هم تغییر می‌کنند اشاره کنیم. به عنوان مثال دو جمله‌ی زیر را ببینید:

۱- هرچه سنت بالاتر می‌رود، باجریه‌تر می‌شود.

۲- هرچه زمان می‌گذشت، به نظر می‌رسید که اوضاع بدتر می‌شد.

در مثال اول سن و تجربه به نسبت هم تغییر می‌کنند و بالا می‌روند، و در مثال دوم گذشتن زمان و بدتر شدن اوضاع همین‌طور هستند. اگر بخواهیم این دو مثال را به انگلیسی ترجمه کنیم، باید از حرف ربط as استفاده کنیم:

1. You get more experienced **as** you get older.

2. **As** time passed, things seemed to get worse.

همان‌طور که می‌بینید، as در این کاربرد به معنی «هرچه، هرچقدر که» است و عموماً دو نشانه دارد:

• اول این‌که در چنین جملاتی غالباً از صفات تفضیلی استفاده می‌شود؛ مثل

worse در مثال‌های بالا و older more experienced در مثال‌های بالا.

• دوم این‌که در این جملات، فعل بعد از as به صورت ساده می‌آید، نه استمراری. اگر به مثال‌های بالا دقت کنید، می‌بینید که در مثال اول بعد از as فعل در زمان حال ساده آمده (get) و در مثال دوم فعلی که بعد از as آمده در زمان گذشته‌ی ساده است (passed).

while

این حرف ربط به معنی «زمانی که، هنگامی که، وقتی» است و کاربرد آن شبیه کاربردهای اول when و as می‌باشد، یعنی برای اشاره به دو عمل

این حرف ربط معمولاً در ساختار «... or ...» استفاده می‌شود و دو کاربرد مختلف دارد:

۱ در کاربرد اول، این ساختار به معنی «چه ... چه ... خواه ... خواه ...» است. این ساختار که مهم‌ترین و رایج‌ترین کاربرد حرف ربط whether در کنکور است به این معناست که هیچ‌یک از دو وضعیت بیان شده مهم نیستند، چون چه حالت اول پیش بباید و چه حالت دوم، در هر صورت نتیجه یکی خواهد بود:

- Whether** we go by bus **or** train, it will take at least six hours.
- We will go on a picnic **whether** the weather is good **or** bad.

۱- «په» با اتوبوس برویم **په** با قطار، حداقل شش ساعت طول خواهد کشید.

۲- ما به پیک‌نیک خواهیم رفت، **په** هوا خوب باشد **په** بد.

۲ در ساختار «... or ...» گاهی اوقات می‌توانیم به جای نقطه‌چین دوم not بیاوریم: «whether ... or not». در این صورت می‌توان whether or not را به چسباند: «... or ...» دو جمله‌ی زیر را بخوانید تا این نکته را بهتر متوجه شوید:

I have to do my homework **whether** I like it **or not**.

I have to do my homework **whether or not** I like it.

باید تکالیف را انجام بدهم، **په** دوست داشته باشم **په** نداشته باشم.

۲ در کاربرد دوم، این حرف ربط نشان‌دهنده‌ی نوعی پرسش است. در این کاربرد، ساختار «... or ...» **whether** به معنی «که آیا ... یا ...» می‌باشد: She doesn't know **whether** Ahmad is rich **or** poor.

او نمی‌دانم که آیا احمد پولدار است یا بی‌پول.

۳ در کاربرد دوم **whether**، وقتی در نقطه‌چین دوم not بباید، هم می‌توانیم را به **whether** or not بچسبانیم و هم می‌توانیم کل‌آن را حذف کنیم:

I don't know **whether** he will pass the test **or not**.

I don't know **whether or not** he will pass the test.

I don't know **whether** he will pass the test.

نمی‌دانم که آیا او در امتحان قبول خواهد شد (یا نه).

۴ به‌طور خلاصه می‌توانیم بگوییم که دو کاربرد whether دو تفاوت با هم دارند:

۱- مهم‌ترین فرقشان در معنی آن‌هاست. کاربرد اول به معنی «چه ... چه ... خواه ... خواه ...» است و کاربرد دوم به معنی «که آیا ... یا ...».

۲- در کاربرد اول می‌توانیم **whether** را به **whether or not** بچسبانیم ولی نمی‌توانیم آن را حذف کنیم، اما در کاربرد دوم، هم می‌توانیم **whether or not** را به **whether** بچسبانیم و هم می‌توانیم آن را حذف کنیم.

مشخص است که جمله‌ی دوم علت جمله‌ی اول را بیان می‌کند، پس اگر بخواهیم این دو جمله را به هم وصل کنیم، باید از یک حرف ربط علت استفاده کنیم، مثلًاً «چون»: می‌خواهیم انگلیسی‌ام را تقویت کنم **چون** انگلیسی در دانشگاه خیلی به دردم می‌خورد.

۵ در زبان انگلیسی برای نشان دادن رابطه‌ی علت و معلوی بین دو جمله از حروف ربط as و since because استفاده می‌شود که در این کاربرد همگی به معنی «چون، زیرا، از آن جایی که» هستند. برای این‌که با کاربرد حروف ربط علت در جمله بیشتر آشنا شوید مثال‌های زیر را بخوانید:

- Many students lose marks **because** they don't read the questions carefully.
- Because** I was late, I ran all the way to school.
- I didn't set my alarm **since** I didn't want to get up early in the morning
- **Since** I haven't done my homework yet, I can't go to the party tonight.
- We should guide her **as** she doesn't know the address.
- **As** I was very tired, I didn't go to the cinema with him.
- خیلی از دانشآموزان نمره از دست می‌دهند **چون** سؤال‌ها را با دقت نمی‌خوانند.
- **چون** دیرم شده بود، تمام راه را تا مدرسه دویدم.
- ساعتم را تنظیم نکردم **چون** نمی‌خواستم صبح زود بیدار شوم.
- از آن‌جا **که** هنوز تکالیف را انجام ندادام، نمی‌توانم امشب به مهمانی بروم.
- ما باید او را راهنمایی کنیم، **چون** او آدرس را نمی‌داند.
- از آن‌جا **که** خیلی خسته بودم، با او به سینما نرفم.
- بعضی از حروف ربط بیشتر از یک کاربرد دارند. به عنوان مثال، از بین حروف ربطی که تا این‌جا خوانده‌ایم، since و as هم در دسته‌ی حروف ربط زمان قرار دارند و هم در دسته‌ی حروف ربط علت. دقت کنید که وقتی این حروف ربط را در بین گزینه‌ها می‌بینید، باید هر دو کاربرد آن‌ها را در ذهن داشته باشید تا بهتر بتوانید گزینه‌ها را با هم مقایسه کنید.

حروف ربط شرط

در این بخش، حرف ربط whether را بررسی می‌کنیم که در کنکورهای سراسری و آزاد بسیار پرکاربرد است و تعداد سؤالاتی که تا به حال در مورد این حرف ربط در کنکورهای سراسری طرح شده به تنهایی برابر است با مجموع تمام حروف ربطی که تا این‌جا در این درس خوانده‌ایم!



در پک نگاه

<p>زمانی که، هنگامی که، وقتی</p> <p>whenever = دو عمل همزمان و تکرارشونده (هر وقت، هر وقت که)</p> <p>دو عمل همزمان ← زمانی که، هنگامی که، وقتی</p> <p>دو عمل که به نسبت هم تغییر می‌کنند ← هرچه، هرچقدر که</p> <p>دو عمل همزمان ← زمانی که، هنگامی که، وقتی</p> <p>جمله‌ی بدون حرف ربط در زمان حال کامل یا گذشته‌ی کامل ← از زمانی که، از وقتی که</p> <p>چون، زیرا، از آن جایی که</p> <p>چه ... چه ... خواه خواه ... که آیا ... یا ...</p>	<p>۱) دو عمل همزمان ۲) دو عمل متوالی ۳) زمان خاصی در گذشته ۴) دو عمل همزمان و تکرارشونده</p> <p>when</p> <p>as</p> <p>while</p> <p>since</p> <p>because</p> <p>since</p> <p>as</p> <p>whether ... or ...</p>	<p>زمان</p> <p>علت</p> <p>شرط</p>	<p>حروف ربط درس ۱</p>
---	--	--	-----------------------



درس آنلاین پیش‌دانشگاهی

شكل فعل دوم در جمله

این مبحث به طور پرآنکه در چند درس از کتاب‌های درسی مورد بررسی قرار گرفته است (درس ۲ پیش‌دانشگاهی و درس‌های ۲ و ۴ سال سوم). برای این‌که بتوانید با دقت و تمرکز بیشتری این مبحث را مطالعه کنید، تصمیم گرفتیم کلیه‌ی مطالبی را که در کتابخان در مورد کاربرد فعل دو^۳ در جمله آنده، به طور منسجم در یک درس در افتخارخان بگذاریم.

مطالب این درس کاملاً فقط کردنی هستند و در واقع برای پاسخ‌گویی به سوالاتی که از این درس طرح می‌شوند، نیاز چندانی به ترجمه‌ی جمله و درک کامل ساختار آن ندارید. فقط کافی است براوول و نکاتی را که در ادامه می‌فوانید فقط گذیند تا وقتی یکی از این افعال را در کنکور دیدید، بدانید که بعد از آن، فعل دو^۳ به په شکلی به کار می‌رود.

تا به حال در ۴۵٪ از کنکورهای سراسری و ۳۸٪ از کنکورهای آزادی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، از مبحث شکل فعل دو^۳ در جمله سوال طرح شده است.

گاهی اوقات در بعضی جملات، به جای یک فعل، دو فعل پشت سر هم می‌آیند. در این درس یاد می‌گیریم که وقتی خواستیم از چنین جملاتی استفاده کنیم، فعل دوم را باید به چه شکل در جمله به کار ببریم. زمان و شخص جمله فقط فعل اول تأثیر می‌گذارد. فعل دوم نه زمان می‌گیرد نه شخص، و شکل آن بر اساس فعل اول تعیین می‌شود. به عنوان مثال، بعد از فعل tell، فعل دوم به صورت مصدر با to به کار می‌رود. حالا چه فعل tell اول شخص باشد چه سوم شخص، چه زمان آن گذشته باشد چه حال و چه آینده، تأثیری روی فعل دوم ندارد:

I tell him	to wash the dishes.
I am telling him	
She tells him	
She is telling him	
I told him	
I was telling him	
I have told him	
I had told him	
I will tell him	

● در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت که افعال زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- افعالی که بعد از آن‌ها مصدر با **to** به کار می‌رود.
- ۲- افعالی که بعد از آن‌ها مصدر بدون **to** به کار می‌رود.
- ۳- افعالی که بعد از آن‌ها فعل **ing** دار به کار می‌رود.

مصدر با **to**

advise	وصیه کردن به، نصیحت کردن به	He advised me <u>to study</u> more carefully.	او به من توصیه کرد که با دقت پیشتری درس بخوانم.
agree	موافقت کردن، موافق بودن	He agreed <u>to come</u> to the cinema with us.	او موافقت کرد که با ما به سینما باید.
allow	اجازه دادن به	They didn't allow Jack <u>to enter</u> the house.	آنها به جک اجازه ندادند که وارد خانه شود.
ask	خواستن (از)، درخواست کردن (از)	She asked me <u>to go</u> there on the weekend.	او از من خواست که آخر هفته به آن جا بروم.
begin *	شروع کردن	The children began <u>to cry</u> .	بچه‌ها شروع کردند به گریه کردن.
cause	باعث شدن، موجب ... شدن	What caused you <u>to change</u> your mind?	چه چیزی باعث شد نظرت را عوض کنی؟
choose	انتخاب کردن	I chose <u>to study</u> English instead of French.	من انتخاب کردم که به جای فرانسوی، انگلیسی بخوانم.
continue *	ادامه دادن	She continued <u>to read</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
decide	تصمیم گرفتن	I decided <u>to tell</u> him the truth.	تصمیم گرفتم حقیقت را به او بگویم.
encourage	تشویق کردن، ترغیب کردن	I will encourage them <u>to exercise</u> .	من آنها را تشویق خواهم کرد که ورزش کنند.
expect	انتظار داشتن (از)	I expected him <u>to get</u> a good mark.	من از او انتظار داشتم که نمره‌ی خوبی بگیرد.
fail	شکست خوردن (در)، موفق نشدن (در)	The doctor failed <u>to save</u> the little girl's life.	دکتر موفق نشد جان دختر بچه را نجات بدهد.
force	强迫 کردن	I forced him <u>to give</u> my money back.	او را مجبور کردم که بولم را پس بدهد.
forget *	فراموش کردن	Don't forget <u>to bring</u> your book with you.	فراموش نکن که کتاب را با خودت بیاوری.
hate *	متغیر بودن از	I hate <u>to play</u> basketball.	متغیر از این که بسکتبال بازی کنم.
help *	کمک کردن (به)	I helped him <u>to write</u> the article.	من به او کمک کردم که مقاله را بنویسد.
hope	امیدوار بودن	I hope <u>to see</u> Jane next week.	امیدوارم هفته‌ی بعد چین را ببینم.
invite	دعوت کردن	He invited me <u>to go</u> to their house.	او را دعوت کرد که به خانه‌ی آنها بروم.
like *	دوست داشتن	She likes <u>to play</u> ping-pong.	او دوست دارد که بینگ‌پنگ بازی کند.
love *	عاشق ... بودن، (خیلی) دوست داشتن	I love <u>to swim</u> in the sea.	عاشق اینم که در دریا شنا کنم.
order	دستور دادن به	He ordered them <u>to be</u> quiet.	او به آنها دستور داد که ساکت باشند.
permit	اجازه دادن به	They didn't permit Jack <u>to enter</u> the house.	آنها به جک اجازه ندادند که وارد خانه شود.
plan	برنامه‌ریزی کردن؛ قصد داشتن	We have planned <u>to go</u> swimming.	ما برنامه‌ریزی کرده‌ایم که به شنا برویم.
prefer *	ترجیح دادن	I prefer <u>to stay</u> at home.	من ترجیح می‌دهم که در خانه بمانم.
promise	قول دادن (به)	He promised me <u>to be</u> there at 10.	او به من قول داد که ساعت ۱۰ آن جا باشد.
remember *	به یاد داشتن	I will remember <u>to bring</u> my book with me.	به یاد خواهم داشت که کتاب را با خودم بیاورم.
start *	شروع کردن	The children started <u>to cry</u> .	بچه‌ها شروع کردند به گریه کردن.
stop *	ایستادن، توقف کردن	We stopped <u>to buy</u> a newspaper.	ما ایستادیم تا یک روزنامه بخریم.
teach	یاد دادن به	My father taught me <u>to swim</u> .	پدرم به من یاد داد شنا کنم.
tell	گفتن	I told them <u>to play</u> in the yard.	من به آنها گفتم که در حیاط بازی کنند.
try *	سعی کردن	I was trying <u>to repair</u> the car.	من داشتم سعی می‌کدم ماشین را تعمیر کنم.
want	خواستن	I want <u>to improve</u> my English.	من می‌خواهم انگلیسی‌ام را بهتر کنم.
warn	هشدار دادن به	I warned her <u>to stay</u> away from that dog.	من به او هشدار دادم که از آن سگ دور بماند.
wish	آرزو داشتن، مایل بودن	I wish to travel <u>to Egypt</u> one day.	آرزو دارم که یک روز به مصر سفر کنم.
would like	دوست داشتن، مایل بودن	I'd like <u>to see</u> that film.	دوست دارم آن فیلم را ببینم.

اعمالی که در مقابل شان ستاره‌گذار شده آن‌هایی هستند که در توضیهات بعد از پدول و یا در توضیهات آن درس در مورد شان نکته‌ای آورده شده است. اعمالی که ستاره‌دار نیستند توضیح فاصلی ندارند و فقط کافی است کاربرد شان را طبق پدول یاد گیرید.



نکات مهم

۲ به این نکته خیلی دقت کنید، چون در کنکور زیاد از آن سؤال می‌آید: برای منفی کردن فعلی که به صورت مصدر با to آمده، کافی است قبل از to یک اضافه کنیم، توجه داشته باشید که not حتماً باید قبل از to بیاید، نه بعد از آن:

1. She asked me not to tap the pen on the desk. (to not tap)
2. My mother warned me not to touch that hot metal. (to not touch)

-۱ او از من خواست که با خودکار روی میز نکوم.

-۲ مادرم به من هشدار داد که به آن فلز داغ دست زنم.

۳ اگر به مثال‌های جدول مصدر با to دقت کنید، می‌بینید که بعد از بعضی

از این افعال، اول مفعول آمده و بعد از آن مصدر با to به کار رفته است:

مصدر با to + مفعول + فعل اول ...

در این سطح لازم نیست خیلی وارد جزئیات این نکته شویم. این را گفتیم که فقط بدانید چنین چیزی هم ممکن است و اگر دیدید بین فعل اول و نقطه‌چین فاصله افتاده، فکر نکنید باید محاسبات عجیب و غریبی بکنید تا به جواب صحیح برسید! بود و نبود مفعول در شکل فعل دوم تأثیری ندارد.

۱ بعد از صفت در جمله، فعل به صورت مصدر با to به کار می‌رود:

1. I am glad to hear that you are getting married.
2. She will be really surprised to see you here.

-۱ از شنیدن این که شما دارید ازدواج می‌کنید خوشحالم.

-۲ او از دیدن شما در اینجا واقعاً شگفتزده خواهد شد.

● رایج‌ترین شکل کاربرد فعل بعد از صفت، ساختار زیر است:

It + to be + (for) + مفعول + صفت + ...

1. It is important to learn English.

2. It was very interesting for me to travel to Shiraz.

3. It will not be possible for you to see him.

- ۱ یاد گرفتن زبان انگلیسی مهم است.

- ۲ مسافرت به شیراز برای من خیلی جالب بود.

- ۳ دیدن او برای شما ممکن نخواهد بود.

مصدر بدون to

let *	اجازه دادن به	They didn't let Jack <u>enter</u> the house.	آنها به جک اجازه ندادند که وارد خانه شود.
make *	تجبر کردن؛ باعث شدن	I made him <u>give</u> my money back.	او را مجبور کردم که بولم را پس بدهد.
help *	کمک کردن (به)	What made you <u>change</u> your mind?	چه چیزی باعث شد نظرت را عوض کنی؟
can / could		I helped him <u>write</u> the article.	من به او کمک کردم که مقاله را بنویسد.
may / might		You can <u>learn</u> English easily.	شما می‌توانید به راحتی انگلیسی باد بگیرید.
shall / should		I may <u>be</u> late, so don't wait for me.	ممکن است من دیر برسم، بنابراین منتظر من نمانید.
will / would		Children shouldn't <u>play</u> in the street.	بچه‌ها نباید در خیابان بازی کنند.
have to / has to / had to	افعال وجہی	We will <u>go</u> to London next week.	ما هفته‌ی آینده به لندن خواهیم رفت.
must		I had to <u>stay</u> at home yesterday.	مجبور بودم دیروز در خانه بمانم.
		It's getting late. I must <u>go</u> right now.	دارد دیر می‌شود. باید همین الان بروم.

They didn't **let** Jack enter the house. =

They didn't **allow/permit** Jack to enter the house.

I **made** him give my money back. =

I **forced** him to give my money back.

What **made** you change your mind? =

What **caused** you to change your mind?

۲ افعالی که بعد از آن‌ها مصدر بدون to می‌آید، اگر تجهیز شوند بعدشان مصدر با to به کار می‌رود:

1. He **made** me clean my room. (معلوم)

2. I **was made** to clean my room. (تجهیز)

-۱ او مرا مجبور کرد که اتاقم را تمیز کنم.

-۲ من مجبور شدم اتاقم را تمیز کنم.

۱ همان‌طور که در جدول بالا می‌بینید، بعد از let و help فعل

دوم به صورت مصدر بدون to می‌آید، ولی نباید تصور کنید که بعد از افعال

هم معنی آن‌ها هم مصدر بدون to به کار می‌رود. شکل فعل دوم تابع خود

فعل اول است، نه معنی آن. برگردید و نگاهی به جدول‌های مصدر با to و

المصدر بدون to بیندازید. با مقایسه‌ی این دو جدول می‌توانیم بگوییم:

let = allow = permit

make = force (تجبر کردن)

make = cause (باعث شدن)

مثال‌های این افعال را با هم مقایسه کنید. همان‌طور که می‌بینید، بعد از let و

cause و force permit allow make مصدر بدون to آمده، ولی بعد از

مصدر با to به کار رفته است:

۴ فعل make فقط وقتی به معنی «مجبور کردن؛ باعث شدن» باشد بعد از آن مصدر بدون to می‌آید. اگر make به معنی «درست کردن» باشد یا در سایر ساختارها به کار رفته باشد، بعد از آن مصدر با to آورده می‌شود:

1. She **made** some coffee to drink.

2. Please **make** every endeavour to arrive on time.

۱- او کمی فهوه برای نوشیدن درست کرد.

۲- لطفاً نهایت سعی تان را پکنید که به موقع برسید.

(make endeavour = سعی کردن)

ولی فعل let معمولاً به شکل مجھول به کار نمی‌رود و در حالت مجھول به جای آن از معادلهایش (allow و permit) استفاده می‌کنیم:

1. My father **let** me drive the car. (علوم)

2. I **was allowed/permited** to drive the car. (مجھول)

۱- پدرم به من اجازه داد ماشین را برانم.

۲- به من اجازه داده شد که ماشین را برانم.

۳ برای منفی کردن فعلی که به صورت مصدر بدون to آمده، کافی است قبل از فعل یک not اضافه کنیم:

1. My mother **let** me not go to school today.

2. He **made** me not say anything.

۱- مادرم به من اجازه داد که امروز به مدرسه نروم.

۲- او مرا وادار کرد که هیچ چیزی نگویم.

فعل endar

خودداری کردن (از)، اجتناب کردن (از)	avoid	She avoided <u>answering</u> my question.	او از پاسخ دادن به سوال من خودداری کرد.
مشغول ... بودن	be busy	Rachel is busy <u>studying</u> for her exam.	راشل مشغول مطالعه برای امتحانش است.
شروع کردن	begin *	The children began <u>crying</u> .	بچهها شروع کردند به گریه کردن.
نتوانستن جلوی ... را گرفتن	can't help	I couldn't help <u>laughing</u> when I saw him.	وقتی او را دیدم نتوانستم جلوی خنده‌دم را بگیرم.
ادامه دادن	continue *	She continued <u>reading</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
در نظر گرفتن، فکر کردن به	consider	We are considering <u>buying</u> a new car.	ما داریم به خریدن یک ماشین جدید فکر می‌کنیم.
انکار کردن، نپذیرفتن	deny	He denies <u>breaking</u> the window.	او شکستن پنجره را انکار می‌کند.
دوست نداشتن	dislike	I dislike <u>watching</u> old movies.	من تماشا کردن فیلم‌های قدیمی را دوست ندارم.
لذت بردن از	enjoy	I really enjoyed <u>being</u> with him.	من واقعاً از بودن با او لذت بردم.
تمام کردن	finish	I finished <u>reading</u> that book yesterday.	من دیروز خواندن آن کتاب را تمام کردم.
فراموش کردن	forget *	I will never forget <u>meeting</u> that famous actor.	هرگز ملاقات با آن بازیگر معروف را فراموش نخواهم کرد.
ادامه دادن	go on	She went on <u>reading</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
متفرق بودن از	hate *	I hate <u>playing</u> basketball.	من از سکتیبال بازی کردن متفرقم.
تصور کردن	imagine	I can't imagine <u>living</u> in that country.	من نمی‌توانم زندگی کردن در آن کشور را تصور کم.
ادامه دادن	keep (on)	She kept (on) <u>reading</u> the book.	او به خواندن آن کتاب ادامه داد.
دوست داشتن	like *	She likes <u>playing</u> ping-pong.	او پینگ‌بنگ بازی کردن را دوست دارد.
عاشق ... بودن، (خیلی) دوست داشتن *	love *	I love <u>swimming</u> in the sea.	من عاشق شنا کردن در دریا هستم.
اهمیت دادن به، ناراحت شدن از	mind	I don't mind <u>lending</u> you my car.	من ناراحت نمی‌شوم از این که ماشینم را به شما قرض بدهم.
از دست دادن	miss	I don't want to miss <u>watching</u> that movie.	من نمی‌خواهم تماساً کردن آن فیلم را از دست بدهم.
ترجیح دادن	prefer *	I prefer <u>staying</u> at home.	من در خانه ماندن را ترجیح می‌دهم.
به یاد داشتن	remember *	I still remember <u>buying</u> my first bicycle.	هنوز خریدن اولین دوچرخه‌ام را به یاد دارم.
ریسک کردن، خطر ... را پذیرفتن	risk	I don't want to risk <u>losing</u> my home.	من نمی‌خواهم خطر از دست دادن خانه‌ام را بپذیرم.
(وقت) صرف کردن	spend	We spent three hours <u>looking</u> for his keys.	ما سه ساعت وقت صرف گشتن به دنبال کلیدهای او کردیم.
شروع کردن	start *	The children started <u>crying</u> .	بچهها شروع کردند به گریه کردن.
دست از ... برداشتن، متوقف کردن	stop *	You should stop <u>talking</u> behind his back.	تو باید دست از حرف زدن پشت سر او برداری.
پیشنهاد کردن	suggest	She suggested <u>going</u> to the park.	او پیشنهاد کرد که به پارک برویم.
امتحان کردن	try *	Why don't you try <u>using</u> a different shampoo?	چرا استفاده از یک شامپوی دیگر را امتحان نمی‌کنی؟

جمله ایجاد نمی‌شود. (به مثال‌های جداول مصدر با **to** و فعل **ing** دار مراجعه کنید).

۲ اگر فعل **stop** به معنی «ایستادن، توقف کردن» باشد، بعد از آن مصدر با **to** می‌آید، ولی اگر این فعل به معنی «دست از ... برداشتن، متوقف کردن» باشد، بعد از آن فعل **ing** دار به کار می‌رود:

1. He **stopped to talk** to me. (ایستادن برای انجام فعل دوم)
2. He **stopped talking** to me. (متوقف کردن فعل دوم)
 - او ایستاد تا با من صحبت کند.
 - دست از صحبت کردن با من برداشت.

۳ اگر فعل **try** به معنی «سعی کردن» باشد، بعد از آن مصدر با **to** می‌آید، ولی اگر این فعل به معنی «امتحان کردن» باشد، بعد از آن فعل **ing** دار به کار می‌رود. (به مثال‌های جداول مصدر با **to** و فعل **ing** دار مراجعه کنید).

۴ وقتی بعد از افعال **remember** و **forget** فعل **ing** دار می‌آید، به این معناست که چیزی در گذشته اتفاق افتاده و فرد حالا آن را به یاد می‌آورد یا فراموش کرده است. ولی وقتی بعد از این افعال مصدر با **to** به کار می‌رود به این معناست که فرد کاری را که در آنده باید انجام دهد به یاد دارد یا فراموش کرده است. (به مثال‌های جداول مصدر با **to** و فعل **ing** دار مراجعه کنید).

۵ بعد از افعال **like**, **love**, **prefer** و **hate** هم می‌توانیم از مصدر با **to** استفاده کنیم و هم از فعل **ing** دار. تفاوت معنایی مهم و تأثیرگذاری بین این دو حالت وجود ندارد. فرقشان این است که وقتی بعد از آنها فعل **ing** دار می‌آید، فرد به طور کلی و همیشگی عمل مورد نظر را دوست دارد و ...، ولی وقتی بعدشان مصدر با **to** به کار می‌رود، فرد آن لحظه عمل مورد نظر را دوست دارد و ... لازم نیست این نکته را حفظ کنید. فقط کافی است در این حد بدانید که بعد از این چهار فعل، هم مصدر با **to** می‌تواند بیاید و هم فعل **ing** دار.

هم با **ing** هم بدون **to**

بعد از افعال **حسی**، هم می‌توانیم فعل **ing** دار بیاوریم و هم مصدر بدون **to** افعال **حسی** عبارتند از:

(شنیدن) hear (تماشا کردن) see (دیدن)	(متوجه شدن) notice (احساس کردن) feel (گوش دادن)
(بوبیدن، به مشام رسیدن) smell	

وقتی بعد از این افعال مصدر بدون **to** به کار می‌رود، به این معناست که کل عمل از اول تا آخر دیده یا شنیده یا ... شده است. ولی وقتی بعد از آنها فعل **ing** دار می‌آید، یعنی فقط قسمتی از عمل دیده یا شنیده یا ... شده است:

1. I **saw** Ali cross the street.

2. I **saw** Ali crossing the street.

۱- علی را دیدم که از خیابان رد می‌شد. (کل عمل رد شدن علی از خیابان را از اول تا آخر دیدم.)

۲- علی را در حال رد شدن از خیابان دیدم. (فقط چند لحظه اور را دیدم. کل عمل را ندیدم.)

نکات مهم

۱ اگر بلافاصله بعد از حروف اضافه یک فعل بیاید، این فعل به صورت **ing** نوشته می‌شود. مهم‌ترین حروف اضافه عبارتند از:

by - in - on - at - about - with - without - of - from
for - into - between - through - against - after - before

1. I'm interested **in** watching cartoons.
2. She spends a lot of money **on** buying clothes.
3. I can't decide **without** knowing all the details.
4. You should eat breakfast **before** going to school.

۱- من به تماشا کردن کارتون علاقه‌مند هستم.

۲- او پول زیادی را صرف خرید لباس می‌کند.

۳- من نمی‌توانم بدون دانستن تمام جزئیات تصمیم بگیرم.

۴- شما باید قبل از رفتن به مدرسه صحنه بخورید.

۲ حرف اضافه **by** به معنی «با، به وسیله‌ی، توسط، از طریق» بیانگر شیوه و روش انجام کاری است:

1. You can learn English **by** practicing a lot.
2. He earns money **by** selling newspapers.
3. **By** working hard, he succeeded in his job.

۱- شما می‌توانید از طریق زیاد تمرین کردن، انگلیسی باد بگیرید.

۲- او به وسیله‌ی فروش روزنامه پول درمی‌آورد.

۳- او از طریق سخت کار کردن، در شغلش موفق شد.

۳ برای منفی کردن فعلی که به صورت **ing** دار آمده هم مثل دو دسته‌ی قبل، کافی است قبل از فعل یک **not** اضافه کنیم:

1. Can you **imagine** not having any food to eat?
2. You can't make progress **by** not doing anything.

۱- می‌توانید تصور کنید که هیچ غذایی برای خوردن نداشته باشید؟

۲- شما نمی‌توانید با هیچ کاری انجام ندادن پیشرفت کنید.

هم با **to** هم بدون **to**

بعد از فعل **help**. هم می‌توانیم از مصدر با **to** استفاده کنیم و هم از مصدر بدون **to**. هیچ تغییری هم از لحاظ معنایی در جمله ایجاد نمی‌شود:

My father always **helps** me do my homework. =

My father always **helps** me to do my homework.

پدرم همیشه به من کمک می‌کند تکالیف را انجام دهم.

هم با **to** هم با **ing**

۱ بعد از افعال **start**, **begin**, **continue** و **begin**, هم می‌توانیم از مصدر با **to** استفاده کنیم و هم از فعل **ing**. هیچ تغییری هم از لحاظ معنایی در

You should ask him to help Mina stop worrying about failing
the test.

تو باید از او بخواهی به مینا کمک کند که دست از نگرانی بابت مردود شدن در امتحان بردارد.

۱- بعد از افعال وجهی (در اینجا should) ← مصدر بدون to

۲- بعد از ask ← مصدر با to

۳- بعد از help ← مصدر بدون to (با مصدر با to)

۴- بعد از stop (به معنی دست از ... برداشتن) ← فعل ingدار

۵- بعد از حروف اضافه (در اینجا about) ← فعل ingدار

فعل smell استثنای این دسته است و بعد از آن فقط فعل ingدار می‌آید.
چون همیشه فقط چند لحظه متوجه بوی چیزی می‌شویم، در مورد بوییدن این طور نیست که بتوانیم از اول تا آخر عملی را بوکنیم!

• همان‌طور که در اول درس گفتیم، زمان و شخص جمله فقط روی فعل اول تأثیر می‌گذارد و شکل فعل دوم توسط فعل اول تعیین می‌شود. اگر در جمله بیشتر از دو فعل داشته باشیم هم هر فعل تابع فعل قبل از خود خواهد بود.
يعني شکل فعل سوم توسط فعل دوم، شکل فعل چهارم توسط فعل سوم و ... تعیین می‌شود:



درس آنلاین اشکان

جملهوارهی وصفی و عبارت وصفی

تا به حال در ۱۳۱ از کنکورهای سراسری و ۶۳ از کنکورهای آزادی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، از مباحثت این درس سوال طرح شده است. برای این که به سوالات این مبحث پاسخ دهید باید بتوانید فعل و فاعل و مفعول را در جمله تشخیص دهید و در اقل مفهوم کلی جمله را متوجه شوید. دوستان مبحث معلوم و مجهول هم برای پاسکلوبی به سوالات این درس مفید است. به همین لیل توصیه می‌کنیم قبل از این که این درس را بفوانید، درس ششم سال سوم دبیرستان را یک بار مرور کنید. در قسمت آخر این درس، بخش تهمت عنوان «عبارت وصفی از نگاهی دیگر» آمده است که با استفاده از آن می‌توانید به ۸۰٪ از سوالاتی که تا به حال از این درس در کنکور آمده هواب پنهان نمایند. اگر به همین مقدار راضی هستید و نمی‌توانید مطالب اضافه یاد بگیرید، دو بخش اول این درس را تاریده بگیرید و یکسره بروید سراغ بخش آخر!

ضمیر موصولی (مفهولی)

The man who you saw yesterday was my father.
 اسم (انسان) فعل فاعل
 جملهوارهی وصفی
 مردی که دیروز دیدی پدر من بود.

: whom برای اشاره به اسم انسان به کار می‌رود و نقش مفعولی دارد. یعنی به جای whom مفعولی در مثال قبل می‌توانیم از whom استفاده کنیم:
 ضمیر موصولی (مفهولی)

The man whom you saw yesterday was my father.
 اسم (انسان) فعل فاعل
 جملهوارهی وصفی
 مردی که دیروز دیدی پدر من بود.
 : which برای اشاره به اسم غیرانسان به کار می‌رود و می‌تواند نقش فاعلی یا مفعولی داشته باشد:
 ضمیر موصولی (فاعلی)

Yesterday I saw the birds which were flying south.
 اسم (غیرانسان) فعل فاعل
 جملهوارهی وصفی
 دیروز پرنده‌گانی را که داشتند به سمت جنوب پرواز می‌کردند دیدم.
 ضمیر موصولی (مفهولی)

The birds which I saw yesterday were flying south.
 اسم (غیرانسان) فعل فاعل
 جملهوارهی وصفی
 پرنده‌گانی که دیروز دیدم داشتند به سمت جنوب پرواز می‌کردند.
 : that برای اشاره به اسم انسان و غیرانسان به کار می‌رود و می‌تواند نقش فاعلی یا مفعولی داشته باشد. یعنی به جای هر سه ضمیر موصولی بالا می‌توانیم از that استفاده کنیم. تمام مثال‌هایی را که تا اینجا در این درس خواندیم دوباره بخوانید و در آنها به جای who، which و whom، ضمیر موصولی that را بگذارید.

جملهوارهی وصفی

جملهوارهی وصفی جملهوارهای است که با ضمیر موصولی شروع می‌شود و درباره اسم قبل از خود توضیحاتی می‌دهد. مهمترین ضمایر موصولی که در این درس آن‌ها را بررسی می‌کنیم عبارتند از who، whom، which، that. این ضمایر موصولی در فارسی «که» ترجمه می‌شوند:
 ضمیر موصولی

The man who is talking to Bahram is our teacher.
 اسم جملهوارهی وصفی

مردی که دارد با بهرام حرف می‌زند معلم ماست.
 ● برای این که تشخیص بدھیم در جملهوارهی وصفی باید از کدام ضمیر موصولی استفاده کنیم، باید دو سؤال زیر را از خودمان بپرسیم:
 ۱- اسمی که قبل از ضمیر موصولی آمده است یا غیرانسان؟
 ۲- ضمیر موصولی در نقش فاعلی آمده یا مفعولی؟
 جواب دادن به سؤال اول خیلی راحت است. ولی جواب سؤال دوم را از کجا باید پیدا کنیم؟ چطور باید بفهمیم که ضمیر موصولی فاعلی است یا مفعولی؟ برای این کار کافی است نگاه کنیم که بلافاصله بعد از ضمیر موصولی، فاعل آمده یا فعل. اگر بعد از ضمیر موصولی فعل آمده باشد، ضمیر موصولی فاعلی است، ولی اگر بعد از آن فعل آمده باشد، ضمیر موصولی مفعولی است:

... + فعل + ضمیر موصولی فاعلی + اسم
 ... + فعل + ضمیر موصولی مفعولی + اسم

حالا به کاربرد هر یک از این ضمایر موصولی دقت کنید:
 : who برای اشاره به اسم انسان به کار می‌رود و می‌تواند نقش فاعلی یا مفعولی داشته باشد:
 ضمیر موصولی (فاعلی)

The man who saw you yesterday was my father.
 اسم (انسان) فعل فاعل
 جملهوارهی وصفی
 مردی که دیروز تو را دید پدر من بود.

فوتبال ورزشی است که توسط دو تیم بازی می‌شود.

ضمیر موصولی (فاعلی)

The man who lives over the road is my uncle. ⇒

فعل اصلی
جمله‌واره‌ی وصفی

The man living over the road is my uncle.

عبارت وصفی

مردی که در آن سمت خیابان زندگی می‌کند عموی من است.

وقتی این ضمایر موصولی در نقش **مفعولی** آمده باشند (یعنی بعدشان فاعل آمده باشد)، می‌توانیم آن‌ها را حذف کنیم؛ هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد:

ضمیر موصولی (مفعولی)

The book which he gave me was really useful. ⇒

فعل فاعل
جمله‌واره‌ی وصفی

The book he gave me was really useful.

جمله‌واره‌ی وصفی

کتابی که او به من داد واقعاً مفید بود.

عبارت وصفی از نگاهی دیگر

حتی اگر هیچ‌کدام از نکاتی را که تا اینجا گفته شد نخوانید، فقط با دانستن این نکته می‌توانید دقیقاً به ۸۰٪ از سؤالاتی که تا به حال از این درس در کنکور آمده پاسخ دهید. ۲۰٪ باقیمانده هم عمداً سؤالاتی هستند که در بخش کلوز مطرح شده‌اند.

غالب سؤالاتی که از این درس داده می‌شوند به این صورت هستند که قبل از نقطه‌چین یک اسم آورده می‌شود و بعد از نقطه‌چین یک عبارت وصفی می‌آید که کلمه‌ی اول آن افتاده است. همان‌طور که گفتیم، عبارت وصفی با فعل **ing** دار یا **p.p.** (اسم مفعول) شروع می‌شود. پس معمولاً باید جواب صحیح را فقط از بین دو گزینه انتخاب کنیم. حالا از کجا بدانیم که این عبارت وصفی باید با فعل **ing** دار شروع شود یا اسم مفعول؟

۱ اگر اسم قبل از نقطه‌چین **فاعل** عبارت وصفی باشد، یا به عبارت دیگر، اسم قبل از نقطه‌چین انجام‌دهنده فعلی که در نقطه‌چین آمده باشد، عبارت وصفی با فعل **ing** دار شروع می‌شود.

۲ اگر اسم قبل از نقطه‌چین **مفعول** عبارت وصفی باشد، یا به عبارت دیگر، فعلی که در نقطه‌چین آمده روی اسم قبل از نقطه‌چین انجام شده باشد، عبارت وصفی با اسم **مفعول** شروع می‌شود.

● The people in line to get into theater were cold and wet.

ஸ்ரावسری ریاضی ۹۰

1) stand 2) stood 3) standing 4) to stand

جواب صحیح یا باید گزینه‌ی ۲ باشد یا گزینه‌ی ۳. اسم قبل از نقطه‌چین (the people) **فاعل فعلی** که در نقطه‌چین آمده (stand) است یا مفعول آن؟ افراد در صرف می‌ایستند یا ایستاده می‌شوند؟! کاملاً مشخص است که در این جمله، افراد انجام‌دهنده عمل ایستاند هستند، نه این‌که این عمل روی آن‌ها انجام شده باشد! پس گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است.

ترجمه‌ی جمله: «افرادی که در صرف ایستاده بودند تا وارد تئاتر شوند، سرداشان بود و خیس شده بودند.»

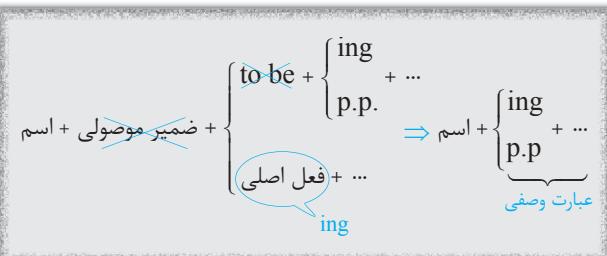
● Grass skiing is a new skiing on grass. **آزاد انسان** ۸۹

1) playing 2) is played 3) which playing 4) played

جواب صحیح یا باید گزینه‌ی ۱ باشد یا گزینه‌ی ۴. اسم قبل از نقطه‌چین (skiing) **فاعل فعلی** که در نقطه‌چین آمده (play) است یا مفعول آن؟

عبارت وصفی

وقتی ضمایر موصولی که در قسمت قبل خواندیم در نقش **فاعلی** آمده باشند (یعنی بعدشان فعل آمده باشد)، می‌توانیم جمله‌واره‌ی وصفی را کوتاه کرده و به عبارت وصفی تبدیل کنیم. اما چطور؟ قبل از این‌که نحوه‌ی تبدیل جمله‌واره‌ی وصفی به عبارت وصفی را توضیح دهیم، شکل زیر را بررسی کنید:



همان‌طور که در شکل بالا می‌بینید، برای تبدیل جمله‌واره‌ی وصفی به عبارت وصفی، اول ضمیر موصولی را حذف می‌کنیم و بعد از آن دو حالت داریم:

۱- اگر مشتقات **to** داشته باشیم، آن را حذف می‌کنیم و بقیه‌ی جمله را (که به صورت **ing** یا **p.p.** است) می‌نویسیم.

۲- اگر فعل اصلی داشته باشیم، آن را به صورت **ing** دار کرده و می‌نویسیم. بنابراین می‌توانیم عبارت وصفی را به این شکل تعریف کنیم: عبارتی است که با فعل **ing** دار یا **p.p.** (اسم مفعول) شروع می‌شود و درباره‌ی اسم قبل از خود توضیحاتی می‌دهد.

ضمیر موصولی (فاعلی)

Do you know the boys who **are** playing ping-pong? ⇒

فعل
جمله‌واره‌ی وصفی

Do you know the boys playing ping-pong?

عبارت وصفی

پسرهایی را که دارند پینگ‌پنگ بازی می‌کنند می‌شناسی؟

ضمیر موصولی (فاعلی)

Soccer is a sport which **is** played by two teams. ⇒

فعل
جمله‌واره‌ی وصفی

Soccer is a sport played by two teams.

عبارت وصفی

کند. وقتی عبارت وصفی با فعل **ing** دار شروع می‌شود، این فعل به صورت **معلوم** ترجمه می‌شود، ولی وقتی **p.p.** در اول عبارت وصفی می‌آید، فعلمان به صورت **مجهول** ترجمه می‌شود و معنولأً کلمه‌ی «شدن» در ترجمه‌ی آن به چشم می‌خورد. یک بار دیگر به ترجمه‌ی دو جمله‌ی بالا نگاه کنید. در سؤال اول **standing** به صورت معلوم (ایستاده بودن)، و در سؤال دوم **played** به صورت مجهول (بازی می‌شود) ترجمه شد.

اِسکی بازی می‌شود یا بازی می‌کند؟! واضح است که در این جمله، عمل بازی کردن روی اِسکی انجام می‌شود، نه این‌که خود اِسکی انجام‌دهنده‌ی بازی باشد! پس گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است.

ترجمه‌ی جمله: «اِسکی روی چمن یک نوع جدید اِسکی است که روی چمن بازی می‌شود.»

● ترجمه‌ی جملات هم می‌تواند در تشخیص گزینه‌ی صحیح به ما کمک



درس آنچه اپیش دانشگاه

so, such, too, enough

این درس یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین درس‌های کتابخانه در کنکور است و تابه هال در ۱۸۶٪ از کنکورهای سراسری و ۸۵٪ از کنکورهای آزادی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، از آن سوال آمده است. این درس علاوه بر اهمیت زیادی که دارد، از یک مزیت بزرگ هم برخوردار است و آن این است که در سوالات مربوط به آن، نشانه‌هایی زیادی در صورت سوال وجود دارد که ما را برای پیدا کردن بواب صیغه راهنمایی می‌کند. کافی است بتوانید اسم، صفت و قید را از هم تشخیص دهید و وقتی یک اسم را می‌بینید متوجه شوید که قابل شمارش است یا غیرقابل شمارش. اگر این‌ها را بدل باشید و فرمول‌هایی را که در ادامه می‌فوانید فقط کنید، بواب دارن به سوالات این درس برایتان مثل آب فوران می‌شود.

so, such و enough کلماتی هستند که برای نشان دادن شرت یا مقدار اسم، صفت یا قیدی که همراه آن‌ها آمده به کار می‌روند، ولی ساختارهایی که در آن‌ها استفاده می‌شوند با هم فرق دارند. به همین دلیل باید به فرمول‌هایی که در مورد کاربرد هر یک از این پهار کلمه ارائه می‌کنیم دقت کنید تا به راهی بتوانید از روی نشانه‌هایی که در جمله آمده تشخیص دهید که کدام یک از این‌ها برای تکمیل جمله مناسب است.

such

این کلمه به معنی «چنین، چنان» است و قبل از اسم به کار می‌رود (مثال‌های ۱ و ۲). اگر اسم بعد از such قابل شمارش مفرد باشد، بعد از such باید a یا an بپاوریم (مثال ۳). ولی اگر این اسم قابل شمارش جمع باشد (مثال ۱) یا غیرقابل شمارش باشد (مثال ۲) یا an نمی‌گیرد. اسم بعد از such می‌تواند صفت هم داشته باشد، به عبارت دیگر، ممکن است بین such و اسم، یک صفت هم باید (مثال‌های ۴ و ۵).

1. I don't want to drive **such cars**.
2. I don't want to go out in **such weather**.
3. I don't want to drive **such a car**.
4. I don't want to go out in **such bad weather**.
5. I don't want to drive **such an old car**.

- ۱- من نمی‌خواهم **چنین** ماشین‌هایی را برازنم.
 - ۲- من نمی‌خواهم در **چنین** هوایی بیرون بروم.
 - ۳- من نمی‌خواهم **چنین** ماشینی را برازنم.
 - ۴- من نمی‌خواهم در **چنین** هوای بدی بیرون بروم.
 - ۵- من نمی‌خواهم **چنین** ماشین کهنه‌ای را برازنم.
- گاهی اوقات such به معنی «خیلی» هم به کار می‌رود:

I'd like to live in Astara. It's **such** a beautiful city.

من دوست دارم در آستارا زندگی کنم. شهر **خیلی** زیبایی است.

در کلیه‌ی فرمول‌های این درس، کلمات و عباراتی که داخل پرانتز آمده‌اند قابل هفظ هستند و آمن یا نیامدنشان بستگی به شرایط جمله دارند. ولی کلمات و عباراتی که بیرون پرانتز آمده‌اند هتماً باید در جمله باشند و قابل هفظ نیستند.

so

این کلمه به معنی «آنقدر» یا «خیلی» است و قبل از صفت یا قید به کار می‌رود:

- I was **so tired**.
صفت
من **خیلی** خسته بودم.
او **خیلی** تند حرف می‌زند.

- معمولاً بعد از «قید/ صفت + so» یک جمله‌ی کامل (متشكل از فاعل و فعل و ...) همراه that می‌آید که «جمله‌ی نتیجه» نامیده می‌شود:

1. I was **so tired** that **I couldn't even speak**.
صفت جمله‌ی نتیجه
من آنقدر خسته بودم که (در نتیجه) حتی نمی‌توانستم حرف بزنم.
2. He speaks **so quickly** that **I can't understand what he says**.
قید جمله‌ی نتیجه
او آنقدر تند حرف می‌زند که (در نتیجه) من نمی‌توانم بهم چه می‌گوید.

- همان طور که در مثال‌های بالا می‌بینید، وقتی بعد از «قید/ صفت + so»، جمله‌ی نتیجه می‌آید، معمولاً so «آنقدر» ترجمه می‌شود، ولی وقتی جمله‌ی نتیجه نمی‌آید، معمولاً so معنی «خیلی» می‌دهد.
● به طور کلی، می‌توانیم کاربرد so را در این فرمول خلاصه کنیم:

(جمله‌ی کامل + that) + قید/ صفت + so



The question is **too** difficult for me to answer.

این سؤال برای من **آن** قدر سخت است که نمی‌توانم آن را جواب بدهم.

He drives **too** slowly to get there on time.

او **آن** قدر آهسته رانندگی می‌کند که نمی‌تواند به موقع به آن‌جا برسد.

● به طور کلی، می‌توانیم کاربرد **too** را در این فرمول خلاصه کنیم:

(مصدر با (to) + (مفعول + قید/صفت +

enough

این کلمه دو کاربرد مختلف دارد:

❶ enough می‌تواند به معنی «به اندازه‌ی کافی» باشد و بعد از صفت یا قید بیاید. وقتی enough بعد از یک صفت یا قید می‌آید، نشان‌دهنده‌ی این است که شدت صفت یا قیدی که قبل از enough آمده مناسب است و در نتیجه، انجام کاری را ممکن می‌کند:

1. The question is easy enough.
صفت

2. He drives fast enough.
قید

- این سؤال به اندازه‌ی **کافی** آسان است. (در نتیجه می‌توانم آن را جواب بدهم.)
- او به اندازه‌ی **کافی** سریع رانندگی می‌کند. (در نتیجه می‌تواند به موقع به آن‌جا برسد.)
● در مورد enough هم درست مثل **too**, too بخواهیم نتیجه‌ای را که داخل پرانتز آورده‌یم در خود جمله‌ی انگلیسی هم نشان بدیم، باید آن را به صورت مصدر با **to** «(مصدر نتیجه) بیاوریم:

1. The question is easy enough for me to answer.
صدر نتیجه

2. He drives fast enough to get there on time.
صدر نتیجه
قید

- این سؤال برای من به اندازه‌ی **کافی** آسان است که آن را جواب بدهم.
- او به اندازه‌ی **کافی** سریع رانندگی می‌کند که به موقع به آن‌جا برسد.
❷ enough می‌تواند به معنی «کافی» باشد و قبل از **اسم** بیاید. اسمی که بعد از enough می‌آید یا باید غیرقابل شمارش باشد و با قابل شمارش جمع.
به عبارت دیگر، بعد از enough اسم قابل شمارش مفرد به کار نمی‌رود:

1. Do we have enough time to have a coffee before our flight?
صدر نتیجه اسم غیرقابل شمارش

2. There aren't enough chairs for everyone to sit down.
اسم قابل شمارش جمع
صدر نتیجه

- آیا وقت **کافی** داریم که قبل از پروازمان یک قهوه بنوشیم؟
- صندلی **کافی** برای این که همه بنشینند وجود ندارد.

● به طور کلی، می‌توانیم کاربرد enough را در این فرمول خلاصه کنیم:

{ enough + قید/صفت
{ enough + اسم
{ مصدر با (to) + (مفعول +

● بعد از such هم مثل so، معمولاً جمله‌ی نتیجه (جمله‌ی کامل + that) می‌آید:

It was **such** an interesting movie that I couldn't stop watching it.

اسم جمله‌ی نتیجه

● **هنان** فیلم جالبی بود که (در نتیجه) نمی‌توانستم دست از تماشا کردن آن بردارم.

They are **such** kind people that everybody likes them.

اسم جمله‌ی نتیجه

آن‌ها **هنان** افراد مهربانی هستند که (در نتیجه) همه دوستشان دارند.

● به طور کلی، می‌توانیم کاربرد such را در این فرمول خلاصه کنیم:

(جمله‌ی کامل + (a/an) + اسم + (صفت))

● می‌توان that را از اول جمله‌ی نتیجه حذف کرد. هیچ تعییری هم در معنای جمله ایجاد شود. ولی این حالت بیشتر در انگلیسی محاوره‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعید است در کنکور that حذف شود.

I was so tired that I couldn't even speak.

It was such an interesting movie that I couldn't stop watching it.

too

این کلمه به معنی «بیش از حد، خیلی» است و قبل از صفت یا قید به کار می‌رود. وقتی too قبل از یک صفت یا قید می‌آید، به جمله مفهوم منفی می‌دهد و نشان‌دهنده‌ی این است که شدت صفت یا قیدی که بعد از too آمده آن‌قدر زیاد است که در نتیجه، انجام کاری را غیرممکن می‌کند:

1. The question is too difficult.
صفت

2. He drives too slowly.
قید

- این سؤال بیش از حد سخت است. (در نتیجه نمی‌توانم آن را جواب بدهم.)

- او بیش از حد آهسته رانندگی می‌کند. (در نتیجه نمی‌تواند به موقع به آن‌جا برسد.)
● در ترجمه‌ی دو مثال بالا، نتیجه را داخل پرانتز آورده‌ایم. اگر بخواهیم در خود جمله‌ی انگلیسی هم این نتیجه را نشان بدیم، باید آن را به صورت «مصدر با to» در جمله بیاوریم. این مصدر با to «مصدر نتیجه» نامیده می‌شود:

1. The question is too difficult for me to answer.
صدر نتیجه
صفت

2. He drives too slowly to get there on time.
صدر نتیجه
قید

- این سؤال برای من بیش از حد سخت است که بتوانم آن را جواب بدهم.

- او بیش از حد آهسته رانندگی می‌کند که بتواند به موقع به آن‌جا برسد.

● ترجمه‌ی دو مثال آخر کمی غیرعادی به نظر می‌رسد. وقتی بعد از **too** (قید/صفت + مصدر نتیجه می‌آید، برای این که ترجمه‌ی بهتری داشته باشیم، در بعضی جملات می‌توانیم **too** را «آن‌قدر» ترجمه کنیم و مصدر نتیجه را به صورت «که نتوانستن کاری را انجام دادن!» بیاوریم. حالا باید با استفاده از این روش دو مثال بالا را دوباره ترجمه کنیم:

● توجه داشته باشید که بعد از many و few اسم قابل شمارش جمع، و بعد از much و little اسم غیرقابل شمارش می‌آید. مثلاً در جملات زیر، people و questions جمع هستند و friends و answers جمع هستند: money و noise و work غیرقابل شمارش می‌باشند:

1. There were so many people in the bus that I couldn't find a seat.
2. There were so few people in the bus that I could easily find a seat.
3. She had so much work to do that she couldn't come to the party with us.
4. She had so little work to do that she could come to the party with us.
5. You ask too many questions, and I don't have enough time to answer all of them.
6. He feels lonely because he has too few friends.

7. I couldn't sleep last night because there was too much noise in the room.

8. I have too little money to buy a car.

- آنقدر افراد زیادی در اتوبوس بودند که توانستم یک صندلی (خالی) پیدا کنم.
- آنقدر افراد کمی در اتوبوس بودند که به راحتی توانستم یک صندلی (خالی) پیدا کنم.
- او آنقدر کارهای زیادی برای انجام دادن داشت که توانست با ما به مهمانی بیاید.

- او آنقدر کارهای کمی برای انجام دادن داشت که توانست با ما به مهمانی بیاید.
- شما سوالات فیلی زیادی می‌پرسید و من وقت کافی برای جواب دادن به همه‌ی آنها ندارم.
- او احساس تنهایی می‌کند چون دوستان فیلی کمی دارد.
- من دیشب توانستم بخواهم چون سر و صدای فیلی زیادی در اتاق بود.
- من بول فیلی کمی برای خریدن ماشین دارم.

● یکی از اشتباهاتی که خیلی از زبان‌آموزان مرتكب آن می‌شوند این است که در جملات حاوی too یا enough، فاعلی را که در ابتدای جمله آمده، بعد از مصدر نتیجه دوباره به صورت مفعولی می‌آورند. حواس‌تان باشد که شما دچار این اشتباه نشوید:

1. These problems are too difficult for me to solve them.

2. The box is light enough for me to lift it.

- این مسئله‌ها برای من بیش از حد دشوارند که بتوانم آن‌ها را حل کنم.

(این مسئله‌ها برای من آنقدر دشوارند که نمی‌توانم آن‌ها را حل کنم.)

- این جعبه برای من به اندازه‌ی کافی سبک است که آن را بلند کنم.

ولی در مورد so و such این‌طور نیست. از آنجایی که در جملات حاوی so و

such، جمله‌ی نتیجه یک جمله‌ی کامل است، می‌توانیم اسمی را که به صورت فاعلی در جمله‌ی قبل آمده بود، به صورت مفعولی در جمله‌ی نتیجه تکرار کنیم:

1. These problems are so difficult that I can't solve them.

2. It is such a light box that I can lift it.

- این مسئله‌ها آنقدر دشوارند که من نمی‌توانم آن‌ها را حل کنم.

- پنهان جعبه‌ی سبکی است که من می‌توانم آن را بلند کنم.

آزادی‌ها بخوانند!

همان‌طور که گفتیم، بعد از so و too باید صفت یا قید بیاوریم. ولی این دو کلمه می‌توانند در یک ساختار دیگر هم به کار بروند که این ساختار در کنکورهای سراسری کاربرد چندانی ندارد، اما طراحان کنکورهای آزاد اهمیت زیادی به آن می‌دهند. این ساختار به این صورت است که بعد از so و too می‌توانیم از few، much و little استفاده کنیم که در این صورت بعد از این ترکیب‌ها اسم می‌آید، نه صفت یا قید. اگر دو فرمول زیر را حفظ باشید می‌توانید تمام سؤالات مربوط به این ساختار so و too را به راحتی جواب دهید:

(جمله‌ی کامل + (that + (مصدر با (to + اسم + many / few)))) + many / few
so + { much / little }

(مصدر با + to + اسم) + many / few
too + { much / little }

- اگر داوطلب لکتور سراسری هستید و نمی‌فواید در لکتور آزار شرکت کنید، لازم نیست این نکته را بفوندید. اگر این‌طور است، همین حالا تست‌های شماره‌ی ۵۸ تا ۵۴ از بخش تست‌های تالیفی و تست‌های شماره‌ی ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۲ از بخش تست‌های لکتورهای آزار را فقط بزنید، پس این تست‌ها مربوط به این نکته هستند و شما به آن‌ها نیاز ندارید.



اسامی غیرقابل شمارش

جدول زیر شامل مهم‌ترین اسامی‌های غیرقابل شمارشی است که در کتابتان به کار رفته‌اند:

access	confidence	handwriting	information	milk	power	steam
advice	damage	happiness	involvement	money	pressure	sugar
aid	density	hardware	iron	music	production	support
air	destruction	harm	knowledge	news	progress	tea
attention	electricity	health	labor	nutrition	rain	traffic
behavior	employment	help	love	oxygen	respect	transportation
blood	energy	homework	luck	paper	rice	trash
bread	fun	honesty	mail	peace	rubbish	trouble
butter	eyesight	humor	mankind	permission	smoke	water
coffee	grass	ice	meat	pollution	snow	weather
concentration	guidance	importance	midnight	poverty	software	work



دریک نگاه

so + قید/صفت + (that + جمله‌ی کامل)
 such + (a/an) + اسم + (صفت) + (for + مفعول + to) (مصدر با)

too + قید/صفت + enough + قید/صفت
 enough + اسم + enough + اسم

درس (۱) پیش‌دانشگاهی

حروف ربط تضاد مستقیم

در درس اول با هروف ربط زمان، علت و شرط آشنا شدیم، مبین هروف ربط معمولی مبین هرامی کتابخان است و پهلو درس از هشت درس کتاب زبان پیش‌دانشگاهی به این مبین اختصاص دارد. در این درس یک دسته‌ی دیگر از هروف ربط را با هم بررسی می‌کنیم. همان‌طور که در درس اول گفتیم، معمولی مبین برای پاسخ‌گویی به سوالات این مبین، ترجمه‌ی بملات و درک «ارتباط معنایی» بین دو جمله است.

شاید این درس از لفاظ آماری اهمیت پندانی نداشته باشد، پون تابه هال فقط در ۷٪ از لکنوارهای سراسری و ۱۸٪ از لکنوارهای افزایی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، سوالی آمده که هرف ربط تضاد مستقیم پاسخ صحیح آن بوده است. اما اهمیت این درس و سایر دروس مربوط به هروف ربط از این لفاظ است که معمولاً در سوالات مربوط به مبین هروف ربط، در بین کزینه‌ها از هروف ربط مختلفی استفاده می‌شود و برای این که بتوانیم کزینه‌ی صحیح را تشخیص بدهیم، باید تمام هروف ربط را بشناسیم و به کاربردهای آن‌ها تسلط داشته باشیم.

در درس ۷ یک نوع تضاد دیگر بررسی می‌شود. پیشنهاد می‌کنیم برای این که بهتر بتوانید هروف ربط تضاد درس ۷ را با این درس مقایسه کنید، بلاغاتیه بعد از خواندن این درس، قبل از این که بروید سراغ درس ۷، درس ۷ را بخوانید!

2. **While** John is a very clever boy, his brother doesn't seem to be smart enough.

3. Dogs like to play, **whereas** cats like to sleep.

4. **Whereas** some languages have 30 or more different vowel sounds, others have five or less.

۱- بعضی از افراد دوست دارند با هواپیما مسافرت کنند، در **حالی** که بقیه مسافرت با قطار را ترجیح می‌دهند.

۲- با این که جان پسر خیلی باهوشی است، به نظر نمی‌آید برادرش به اندازه‌ی کافی زرنگ باشد.

۳- سگ‌ها دوست دارند بازی کنند، در **صورتی** که گریه‌ها دوست دارند بخوابند.

۴- در **حالی** که بعضی از زبان‌ها ۳۰ حرف صدادار مختلف باشند، در **حالی** که بقیه (زبان‌ها) پنج تا یا کمتر دارند.

در تمام این مثال‌ها، دو جمله‌ای که با **while** یا **whereas** به هم وصل شده‌اند یک ویژگی متضاد دارند و نوعی مقایسه بین آن‌ها انجام شده است. در مثال اول علایق مردم مختلف، در مثال دوم جان و برادرش، در مثال سوم علایق سگ‌ها و گریه‌ها، و در مثال آخر تعداد حروف صدادار زبان‌های مختلف با هم مقایسه شده‌اند.

● همان‌طور که در درس اول گفتیم، بعضی از هروف ربط بیشتر از یک کاربرد دارند. حرف ربط **while** هم یکی از این حروف ربط دو کاربردی است. این حرف ربط، هم می‌تواند نشان‌دهنده‌ی «تضاد مستقیم» باشد و هم طبق توضیحات درس اول، می‌توان از آن به عنوان حرف ربط «زمان» برای اشاره به «دو عمل همزمان» استفاده کرد.

قبل از این‌که هروف ربط این درس را توضیح دهیم، بهتر است با مفهوم «تضاد مستقیم» بیشتر آشنا شویم. همه‌ی ما می‌دانیم که زمستان و تابستان یک ویژگی متضاد دارند و آن، سرد بودن زمستان و گرم بودن تابستان است. حالا اگر بیاییم این تضاد را در جمله‌ای مثل جمله‌ی زیر نشان بدھیم، مجبوریم از یک حرف ربط تضاد استفاده کنیم:

«زمستان سرد است، در **حالی** که تابستان گرم است.»
حرف ربطی که در بالا به کار رفته است، حرف ربط «تضاد مستقیم» نامیده می‌شود، چون دو جمله‌ای که قبل و بعد از حرف ربط آمده‌اند کاملاً نقطه‌ی مقابل هم هستند و می‌توان گفت که در واقع زمستان و تابستان با هم مقایسه شده‌اند. نکته‌ای که باید از این مثال به خاطر داشته باشید این است که وقتی بین دو جمله «تضاد مستقیم» وجود دارد، دو جمله یک **ویژگی متضاد** دارند و نوعی مقایسه بین دو جمله انجام شده است.

● در زبان انگلیسی، برای نشان دادن «تضاد مستقیم» از هروف ربط **while** و **whereas** استفاده می‌کنیم که به معنی «در **حالی** که، در **صورتی** که، با این که» هستند. به عنوان مثال، اگر بخواهیم همان جمله‌ای را که درباره‌ی زمستان و تابستان در بالا گفتیم به انگلیسی برگردانیم، باید از یکی از جملات زیر استفاده کنیم:

- Winter is cold, **while/whereas** summer is warm.
- **While/Whereas** winter is cold, summer is warm.

- برای این‌که کاربرد هروف ربط تضاد مستقیم کاملاً برایتان جا بیفتند، به چند مثال دیگر هم توجه کنید:
1. Some people like traveling by plane, **while** others prefer traveling by train.

درس ۶ پیش‌دانشگاهی

حروف ربط هدف

باز هم مبحث هروف ربط و باز هم تأکید بر دقیقت در معنی و ترجمه‌ی جملات. برای پاسخ‌گوینی به سوالات مربوط به این درس کافی است مفهوم جملات را متوجه شوید و بفهمید که یکی از جملات، نشان‌دهنده‌ی هدف و مقصود جمله‌ی دیگر است و بعد از آن ببینید که کدام‌یک از دو دسته هروف ربط هرفی که در ادامه می‌خوانیم برای تکمیل جمله مناسب است. تا به حال در ۱۷٪ از کنکورهای سراسری و ۵۱٪ از کنکورهای آزادی که از کتاب درسی فعلی برگزار شده، از مبحث هروف ربط هدف سوال طرح شده است.

باشد، معمولاً در جمله‌ی بعد از آن‌ها will، can یا آورده می‌شود (مثال‌های ۱ و ۲).

وقتی جمله‌ی قبل از so that و in order that در زمان گذشته باشد، معمولاً در جمله‌ی بعد از آن‌ها would، could یا might به چشم می‌خورد (مثال‌های ۳ و ۴).

با توجه به این نکته، به کار رفتن این افعال وجهی بعد از نقطه‌چین می‌تواند نشانه‌ی خوبی برای تشخیص پاسخ صحیح باشد. ولی مواطن باشید! همیشه این‌طور نیست. ممکن است گاهی اوقات در جمله‌ی بعد از so that و in order that به چشم از in order that آن خبری از این افعال وجهی نباشد و جمله هم کاملاً درست باشد، مثل این جمله:

I didn't go to the party **so that** I don't see Jack.

من به آن مهمانی نرفتم تا جک را نبینم.

گاهی اوقات، مخصوصاً در محاوره، ممکن است that از حرف ربط so that را حذف شود و SO به تنها با همان معنی و کاربرد بباید. البته بعید است در کنکور چنین جمله‌ای را ببینید، ولی چون در کتاباتان به این شکل هم به کار رفته، دانستن این نکته ضرری ندارد.

He is saving money **so that** he can buy a bicycle.

او دارد پول پس انداز می‌کند تا این‌که بتواند یک دوچرخه بخرد.

دسته‌ی دوم

حروف ربط هدفی که بعد از آن‌ها « مصدر بدون to » می‌آید

حروف ربط این دسته عبارتند از to .in order to و so as to .کاربردهای این سه حرف ربط هم فرقی با هم ندارد و می‌توانند به جای هم به کار بروند. مثال‌های زیر را بخوانید تا با نحوه استفاده از آن‌ها در جمله آشنا شوید:

1. I went to the library to study more carefully.

2. He took a map so as to find our home easily.

3. I called the police in order to make sure of my safety.

۱- من به کتابخانه رفتم تا با دقت بیشتری مطالعه کنم.

۲- او یک نقشه برداشت **تا این‌که** به راحتی خانه‌ی ما را پیدا کند.

۳- من به پلیس زنگ زدم تا از امنیت اطمینان حاصل کنم.

دسته‌ی اول

حروف ربط هدفی که بعد از آن‌ها « جمله‌ی کامل » می‌آید

حروف ربط این دسته عبارتند از so that و in order that این دو حرف ربط در حد کنکور هیچ فرقی با هم ندارند و می‌توانند به جای هم به کار بروند. برای آشنایی با کاربرد آن‌ها به مثال‌های زیر توجه کنید:

1. Tomorrow he will go to the office early **so that** he can talk to the boss.
2. I want to take my coat off **in order that** I may feel more comfortable.
3. We wrote down the instructions **so that** we wouldn't forget them.
4. She lowered her voice **in order that** no one might hear what she was saying.

۱- فردا او زود به دفتر خواهد رفت تا بتواند با رئیس صحبت کند.

۲- من می‌خواهم کنم را درآورم **که** بیشتر احساس راحتی کنم.

۳- ما دستورالعمل‌ها را یادداشت کردیم **تا آن‌ها** را فراموش نکنیم.

۴- او صدایش را پایین آورد **تا این‌که** هیچ کس نشنود او چه می‌گوید.

وقتی جمله‌ی قبل از so that و in order that در زمان حال یا آینده

در کنکور

در تست‌های کنکور خیلی راحت می‌توان تشخیص داد که باید از حروف ربط هدف دسته‌ی اول استفاده کنیم یا دسته‌ی دوم. کافی است ببینید که بلافاصله بعد از جای خالی فاعل آمده است یا فعل:

اگر بلافاصله بعد از جای خالی فاعل آمده باشد، یعنی جمله‌ی کامل (فاعل و فعل و ...) داریم و باید از حروف ربط هدف دسته‌ی اول استفاده کنیم.

اگر بلافاصله بعد از جای خالی فعل (مصدر بدون *to*) آمده باشد، باید حروف ربط هدف دسته‌ی دوم را به کار ببریم.

- Mary is taking driving lessons she can easily pass the test.

سراسری انسان ۸۶

1) in order to 2) whether 3) because 4) so that
با خواندن جملات قبل و بعد از نقطه‌چین متوجه می‌شویم که جمله‌ی دوم برای کنندۀ هدف جمله‌ی اول است. پس یا گزینه‌ی ۱ باید جواب صحیح باشد یا گزینه‌ی ۴. در این سؤال، بلافاصله بعد از جای خالی فاعل آمده است، یعنی بعد از جای خالی جمله‌ی کامل داریم. بنابراین باید از حروف ربط هدف دسته‌ی اول استفاده کنیم. پس پاسخ صحیح گزینه‌ی ۴ است.

ترجمه‌ی جمله: «مری دارد در کلاس‌های تعلیم رانندگی شرکت می‌کند تا این که بتواند به راحتی در امتحان قبول شود.»

- Space exploration is the use of space travel discover the universe beyond the Earth.

آزاد ریاضی ۸۸

1) because 2) while 3) so that 4) so as to
در اینجا هم با توجه به معنی جملات، جمله‌ی بعد از نقطه‌چین نشان‌دهنده‌ی هدف جمله‌ی قبل از نقطه‌چین است. پس یا گزینه‌ی ۳ باید جواب صحیح باشد یا گزینه‌ی ۴. در این سؤال، بلافاصله بعد از جای خالی فعل (مصدر بدون *to*) آمده است، بنابراین باید از حروف ربط هدف دسته‌ی دوم استفاده کنیم. پس پاسخ صحیح گزینه‌ی ۴ است.

ترجمه‌ی جمله: «کاوش فضایی، استفاده از سفر فضایی به منظور کشف جهان ماورای زمین می‌باشد.»

حالت منفی

۱ برای منفی کردن جملات حاوی حروف ربط هدف دسته‌ی اول، با خود حرف ربط کاری نداریم و فقط فعل جمله‌ای را که بعد از so that in آمده منفی می‌کنیم:

1. We should talk quietly **so that** we won't wake the baby up.
2. I didn't set my alarm last night **in order that** I wouldn't get up early this morning.

- ما باید آرام حرف بزنیم **تا** بچه را بیدار نکنیم.

- من دیشب ساعتم را تنظیم نکردم **که** امروز صبح زود بیدار شوم.

۲ شکل منفی حروف ربط هدف دسته‌ی دوم در کنکور کاربرد زیادی دارد. برای منفی کردن این حروف ربط، کافی است قبل از to یک not بیاوریم. (توجه داشته باشید که not حتماً باید قبل از to بیاید، نه بعد از آن.) از بین سه حرف ربط این دسته، معمولاً در حالت منفی فقط از so as to و استفاده می‌شود و to را منفی نمی‌کنند:

1. We should talk quietly **so as not to** wake the baby up.
2. I didn't set my alarm last night **in order not to** get up early this morning.

- ما باید آرام حرف بزنیم **تا** بچه را بیدار نکنیم.

- من دیشب ساعتم را تنظیم نکردم **که** امروز صبح زود بیدار شوم.

حروف ربط هدف در اول جمله

حروف ربط هدف هم مثل حروف ربطی که در درس‌های قبل خواندیم، می‌توانند در اول جمله بیابند. گاهی اوقات برای تأکید بیشتر به این شکل به کار می‌روند، ولی کاربرد آن‌ها در اول جمله زیاد رایج نیست.

- **So that / In order that** you can get the job, you should be able to speak English.
- **To / So as to / In order to** get the job, you should be able to speak English.

برای این **که** آن شغل را به دست بیاوری، باید بتوانی انگلیسی حرف بزنی.

